

کدام گالری هادر جشنواره تجسمی فجر شرکت دارند؟

۲۳ گالری از تهران و نمایندگان از گالری‌های شهرهای مشهد، شیراز، رشت، سمنان، یزد و تبریز با جشنواره یازدهم هنرهای تجسمی فجر به توافق رسیدند. به گزارش ایسنا، مدیر بخش نمایشگاه گالری‌های هادر یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر گفت: حضور گالری‌ها بخصوص گالری‌های شهرستانی در جشنواره باعث جلب توجه عموم مردم به هنر و رونق هنرهای تجسمی در شهرستان‌ها خواهد شد.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، مژگان قدوسی مدیر بخش گالری‌های یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر گفت: برای اولین بار و به دعوت هادی مظفری مدیر اداره کل هنرهای تجسمی خاتم‌لیلی گلستان را به عنوان نماینده گالری‌ها به شورای سیاست‌گذاری جشنواره تجسمی فجر دعوت کردند و در نتیجه حضور ایشان، تصمیم گرفته شد که امسال گالری‌داران فعال در جشنواره شرکت کنند. وی افزود: این سال هارابطه خوبی بین گالری‌ها و اداره کل تجسمی وجود نداشت ولی امروز همه خوشحالییم که فضای دوستانه‌ای ایجاد شده است و همه می‌خواهیم که کار کنیم.

او گفت: در نهایت از میان گالری‌هایی که در جلسات اولیه شرکت کردند ۲۳ گالری از تهران و نمایندگان از گالری‌های شهرهای مشهد، شیراز، رشت، سمنان، یزد و تبریز برای شرکت در جشنواره یازدهم با ما به توافق رسیدند. گالری‌های تهرانی شامل گالری شیرین، گلستان، هما، فرمانفرما محسن، دنا، ثالث، اثر، شپث، آشیان نقش و مهر، گویا، ایرانشهر، ملک، ایوان، آرت سنتر، هور، دستان، ترانه باران، مژه، شکوه، آتبین، ویستا و سیچون هستند.

قدوسی گفت: خوشحالم که جشنواره تجسمی فجر دارد به سمت درمی شدن پیش می‌رود. این اتفاقی است که سال‌هاست در سایر جشنواره‌های فجر رخ داده است و امیدوارم در آینده این مساله برای جشنواره تجسمی هم کاملاً محقق شود.



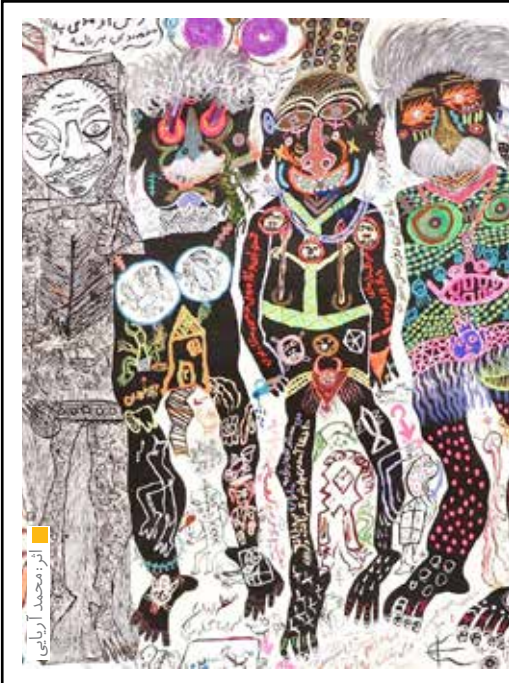
مژگان قدوسی شور و شغف گالری‌داران برای این رخداد را امیدوارکننده توصیف کرد و گفت: ۲۳ گالری خوب تهرانی و گالری‌های برتر شهرستان در این جشنواره حضور خواهند داشت. آنها قطعاً هنرمندان خوبی را به جامعه معرفی خواهند کرد. اتفاق خوب این است که هنرهای تجسمی از این طریق به لایه‌های مختلف جامعه رسوخ کند. باغ موزه قصر مکان پرترددی است. اگر نتیجه جشنواره این باشد که تعدادی از مردم بعد از آن عادت کنند روزهای جمعه گالری‌گردی کنند این برای ما بسیار خودش‌حال‌کننده خواهد بود.

او در ادامه سخنش درباره حضور گالری‌های شهرستانی گفت: گالری‌هایی که فعالیت‌های خوبی داشتند و خبرش به ما رسیده بود برای حضور در جشنواره دعوت شدند. آنها قرار است هنر خودشان را نمایش دهند و بهترین آثار را جمع‌آوری کنند. نکته مهم این است که گالری‌های شهرستان در کنار گالری‌های تهران حضور خواهند داشت و تفاوتی از این نظر بین غرفه‌ها وجود ندارد. قدوسی توضیح داد: به نظر من این بهترین فرصت است تا گالری‌های شهرستانی بتوانند هنرمندان خودشان را معرفی کنند. مارکت هنر در شهرهای دیگر متأسفانه شبیه تهران نیست. گالری‌ها در شهرهای دیگر باید این فرصت را داشته باشند که متشامعرفی هنر و هنرمندان شهر خودشان باشند و اقتصاد هنر تنها مختص تهران نباشد. شهرستان‌ها همواره هنرمندان بزرگی داشته‌اند ولی مشکلات باعث شده هنرمندان به بازار تهران بیایند. سروصدایی که در جشنواره فجر ایجاد می‌شود باعث خواهد شد که جریان اقتصاد هنر سمت و سویی بهتری پیدا کند. ما امیدواریم که این اتفاق بیفتد.

او تأکید کرد: معتقدیم که تجربه اجرایی تک تک گالری‌ها بسیار خوب و مفید است. برای همین با خیال راحت این بخش را به خودشان سپردیم. هر کدام از آنها در ماه دو ایونت خیلی خوب برگزار می‌کنند و این تجربه در جشنواره تجسمی فجر هم به کار گرفته خواهد شد. این هنرمند گفت: فضای بسیار خوبی شکل گرفته است و گالری‌داران به گرمی از دعوت ما استقبال کردند. شک ندارم در طول مدت برگزاری، جنب و جوش جذابی در باغ موزه ایجاد خواهد شد.

گذر و نظری بر چهار نمایشگاه تجسمی در گالری‌های تهران

تصاویری از چهره پنهان حقیقت



نقاشی‌های محمد آریایی با عنوان «طلسم من بر تو» که در گالری دلگشا به نمایش در آمده، به طور مشخص از جهان عینی فاصله می‌گیرد و تصاویری متفاوت از آنچه در واقعیت روزمره می‌شناسیم پیش رو می‌گذارد

از فیگورهایی بومی آثار او داشت. بایا باید آن‌ها را کشف کرد و با تن به کشف داد و از خود آن‌ها سؤال کرد. این وضعیت نزدیک‌ترین شکل بازسازی موقعیت شرقی و خاورمیانه‌ای است. آریایی خواسته با ناخواسته ما را به وجود دوباره «دیگری» درگیر می‌کند. شاید دانستن این نکته که او از کودکی با مادر بزرگ خود که یک جن‌گیر و دعاویس زندگی می‌کرده به جذابیت و خوانش کارهایش کمک کند. نقاشی‌های آریایی همانند پنجره‌ای است به یک جهان موازی که در دوسوی این پنجره آدم‌ها با استانداردهای خود به قضاوت سوی دیگر مشغول‌اند.

بردباری ساده لوحانه خود دست‌بکشد و به دامان جنون برزند.

پنجره‌ای به یک جهان موازی
نقاشی‌های محمد آریایی با عنوان «طلسم من بر تو» که در گالری دلگشا به نمایش در آمده، به طور مشخص از جهان عینی فاصله می‌گیرد و تصاویری متفاوت از آنچه در واقعیت روزمره می‌شناسیم پیش رومی‌گذارد. اما آنچه از آنکه او هنرمندی خودآموخته است که ممکن است به شیوه‌های بازنمایی در نقاشی نامسلط باشد، اما آنچه آثارش را تا این اندازه در فاصله با امر واقعی نگاه می‌دارد، مناسبات جهانی که او به تصویرش می‌کشد و نه شیوه تصویرگری او است.

در یادداشت توصیفی نمایشگاه این هنرمند آمده است: «او آدم‌های خود را نقاشی می‌کند. روی یا کنار آن‌ها شعرهایی از سعدی و حافظ می‌نویسد که پندآموز و کنایه‌ای است. آدم‌هایی با لیخندی مرموز در کنار یکدیگر که گویی آن‌ها در مقام مخاطب ما را قضاوت می‌کنند. او دوباره ما را با رنگ و خط آشتنی می‌دهد، آنرا روی بدن اعمال می‌کند تا آنجا که به یکی از اجزای حیاتی بدن مانند قلب تبدیل می‌شوند. به سختی می‌توان خوانشی

مهران اختری است که در گالری سایه به نمایش در آمده است. دو گانه خرد و جنون دستمایه اصلی هنرمند در این مجموعه است که در بیانی صریح و روشن و از طریق پرتره‌هایی که وظیفه انتقال این معانی را بر عهده دارند روایت می‌شود.

«هیجان دیدن نیازمند عبور از مرزهای خرد است و از وقتی عصر مدرن، جنون را بیماری شمرد، ترک عادت مرض تلقی گردید و راه بر تبادل جنون و خرد بسته شد. نظم، هنجارها و معیارهای حاکم، در قالب رفتارهای عقلانی توجیه و تثبیت شد، دیوانگی در سیطره و نظارت ناد یوانگی واقع شد و دیالکتیک میان این دوه نقطه قطع رسید. جایی که قلمرو در کم‌ماز دیدن، به لمس دیداری اشیا و حرکات فرو کاست. در هم تنیدگی رنگ‌ها، با حضور اسرارآمیز جنون است که می‌تواند راه بر تعلیق شگفت‌آور باز کند. جایی که قلمرو آرام‌وبی کشمکش عقل، ناقطعی بودن مرزبندی خود با دیوانگی را به رسمیت بشناسد و سنگینی معجون فضا-زمان را با بسکی باز یگوشانه نابخردی معاوضه کند. گذر از عادت دیدن به لذت بردن را برای خود گریزی نیست جز آنکه اندک زمانی از

ماهیت حقیقی جهان
هاوار امینی در مجموعه‌ای که با عنوان «ضیافت» در گالری ماه به نمایش در آورده، اشاره‌ای مشخص به داستان آفرینش جهان را به میان کشیده است. اشاره مشخص او در این عبارت که در پیوست با آثارش ارائه شده، با مخاطب به اشتراک گذاشته می‌شود: «و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود فارغ شد. و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت».

هنرمند در این مجموعه نسخه‌هایی متعدد از روایت آفرینش را ارائه می‌دهد که به ویژه از لحاظ شیوه بیان فاقد هر گونه قطعیت به نظر می‌آید. شکاشک، سرگردانی و توافقی ناپایدار داده‌هایی است که می‌توان از هر یک از نسخه‌های او دریافت کرد. به این ترتیب آنچه زبان بصری نقاش در اینجا می‌گوید، تاندازه‌یادی با مضمونی که با مخاطب خود در میان می‌گذارد در تضاد و حتی تقابل است. امری که به نظر می‌رسد نقطه هدف هنرمند باشد همین عدم قطعیت در انگشت‌نهادن بر ماهیت حقیقی جهان باشد.

معجون فضا-زمان
«جنون خرد» عنوان مجموعه‌ای از

می‌گذرد، اثر بخش است. در حالی که هنرمند در این مجموعه به طور عام عناصری از نقاشی ایرانی و هنر سنتی را باز تولید می‌کند، فضایی استرلیزه و پاکیزه را به تصویر می‌کشد که فارغ از آنکه از حقیقتی معین پرده برمی‌دارد، یانه، دست کم از اراده‌ای فرا واقعی در سازو کار جهان سخن به میان می‌آورد.

توصیفی که از مجموعه آثار هنرمند در این نمایشگاه آمده، می‌گوید: «نیروی تصاویر در تکرار، به طرز هولناکی قافیه را برای واقعیت تنگ می‌کند. سخن بر سر ملال از تکرار و بی‌معنایی تجربه نیست، بلکه آنجاست که در پس این همه بازی تصاویر قدرتی ملون و مهیب نهفته است و ترسی که خود را در تکرار تصاویر باز تولید می‌کند. آدمی در این رویارویی چون کبکی نحیف، دانسته خود را به هذیانی خواهد سپرد که جز آن راهی برای عبور از این بن‌بست نخواهد داشت.

در این رویارویی مکرر هیچ شناختی پدیدار نمی‌گردد، بلکه تنها یادآوری و تذکری وهم‌آلود است که هر بار بیش از پیش آدمی را از دسترسی به خود خارج می‌کند. اینجا معنای نقطه صفر مرزی است».

بهر روز فایقین

امر حقیقی چگونه می‌تواند فرصتی برای بروز و ظهور در اثر هنری پیدا کند؟ این باوری دیرپا است که کار هنر پرده برداشتن از راز و رمز هاست و هنرمند خود به خود و آگاه یا ناخودآگاه در کار جستجوی این رازها و گشودن آن‌ها است. اما گذشته از این باور عمومی، امر حقیقی از چه جنبه‌ها و ابعادی می‌تواند مورد توجه هنرمند قرار بگیرد؟ یا مهم‌تر از این‌ها آیا چنانکه اغلب تصور می‌کنیم هنرمندان به ویژه در جهان معاصر به چنین تلقی‌ها و انتظارات از اثر هنری اساساً وقعی می‌گذارند؟ و اگر اینطور است چنین اقبالی را در چه مصادق‌هایی می‌توان شناسایی کرد؟ این پرسش‌ها را در نگاهی به محتوا و ساختار تعدادی از نمایشگاه‌های تجسمی که این روزها در گالری‌های تهران برپاست، می‌توان دوباره به میان کشید.

یک یادآوری وهم‌آلود

محمد مستان دهی در نمایشگاهی با عنوان «هذیان پیرامون» که در گالری نگاه برپاشده، به نیرویی اشاره دارد که خارج از قاب‌های او بر آنچه در تصاویر آفریده هنرمند

گزارش

روایت چند هنرمند از نمایشگاه «تهران زیر بال فرشته‌گان»



بگذرم. این عناصر حتی بی ارتباط، در کنار هم و در جریان زندگی می‌توانند زیبایی ایجاد کنند. حتی اگر آثار همسرا به نوعی سردی و نگاهی ناامید باشد باز هم با ارزش است. همه آثار در یک فرم هستند و این امتیاز ویژه‌ای است. او گفت: اما امیدوارم در کارهای بعدی هنرمند شاهد یک غافلگیری متفاوت باشیم و نه تکرار و امتداد همین نگاه.

این بازیگر در پایان گفت: در نقاشی و روی هم رفته هنر به دنبال تحلیل‌های فلسفی سیاسی و اجتماعی خیلی پیچیده نیست. نظر شخصی ام این است که نقاشی به عنوان یکی از کامل‌ترین هنرها، کافی است به دنبال کشف یک حس مداوم برای ارتباط برقرار کردن باشد. فکر نمی‌کنم لازم باشد تابلو یک اعلامیه باشد. باید اثری باشد که وقتی آن را در خانه‌ام به دیوار آویختم، سال‌ها وقتی صبح به آن نگاه می‌کنم یک حس خوب در من زنده شود.

این هنرمند موسیقی توضیح داد: مهم‌ترین ویژگی این آثار این است که یک فضای خاص دارند. در برخی از نمایشگاه‌ها می‌بینید با اینکه آثار پر از رنگ و لعاب هستند، نمی‌توانند اتمسفر خاصی به شما منتقل کنند. این ترکیب کولاژ گونه به نظرم با تکرار در آثار بعدی می‌تواند به هنرمند کمک کند جای خودش را پیدا کند.

همچنین علی دهکردی، بازیگر بعد از دیدن آثار رویا شامحمدی توضیح داد: کارهای این نمایشگاه به نظرم غافلگیر کننده هستند. هم در فرم و هم در محتوا و هم در شیوه اجرا. این امتیاز بسیار خوبی برای مجموعه است. بنابراین به این هنرمند غافلگیر کننده تبریک می‌گویم. وی افزود: هنرمند در آثارش ما را یک زاویه متفاوت نگاه به اطراف متوجه می‌کند. نوع نگاهی به مرا وادار می‌کند فکر کنیم نباید به سادگی از کنار هیچ عنصری در اطرافم

احساس امنیت انسان‌ها را کنار هم نشان دهم. احساسی که دو نفر وقتی کنار هم هستند، پیدا می‌کنند. شاید در کنار آن افسوس، غم عشق و انتظار هم باشد. اینها همه برای من در خدمت بیان مفهوم عشق بود. سراسر راه می‌چسانم. در مرحله بعد آغوش گرفته‌اند، از نظر من همان حس دوست داشتن است.

او توضیح داد: زندگی روزمره الهام‌های لازم را به هنرمند می‌دهد. طرح، رنگ موضوع و ... ناخودآگاه به سراغم می‌آیند. همه چیز آن چیزی است که در طول کشیدن یک تابلو انسان در محیط اطرافش تجربه و حس می‌کند. بعضی وقت‌ها حتی کار را با یک رنگ آغاز می‌کنم و بعد به رنگ دیگری می‌رسم. این هنرمند گفت: خط‌هایی که انتخاب کرده‌ام همه شعر هستند. اما آنها را بریده‌ام و مخاطب ممکن است اصلاً نبیند که چه شعری است. به نظر من حس و حالی که در آن خط هست، بدون خواندن شعر هم به بیننده منتقل می‌شود.

سعید ذهنی، موسیقیدان و یکی از بازدیدکنندگان این نمایشگاه نیز گفت: مدو اتمسفر این نمایشگاه برایم بسیار جذاب بود. ریتم را در برخی از این کارها بسیار دوست داشتم. کولاژ خط و باقی تکه‌های کاغذی برایم جالب بود. استفاده از خوشنویسی در این فرم ایده جالبی بود.

استفاده از تکه‌های حاوی خوشنویسی در آثار، وی افزود: یکی از خصوصیات که بازدیدکنندگان به آن اشاره می‌کنند این است که کارهای خیلی رنگین است. این موضوع هم به نظر من مرور به وجود آمد. کاغذها را کنار هم می‌چسانم. در مرحله بعد طرح را روی اثر پیاده می‌کنم. او درباره عنوان نمایشگاهش نیز گفت: «تهران زیر بال فرشتگان» را از روی تابلوی آخرم انتخاب کردم. من در زندگی‌ام فرشته زیاد دیدم. در واقع در لحظات سخت زندگی انسان‌های زیادی کنارم بودند که در واقع فرشتگان زندگی‌ام بودند و حس حمایت به من دادند. این عنوان از این حس به وجود آمده است.

این هنرمند همچنین گفت: نمی‌دانم چرا از کلاژ استفاده کردم. گویا کلاژ خودش آمده است در تابلوهایم؛ اما به طور کلی پرندگان را دوست دارم و در شهر که راه می‌روم آنها را تماشا می‌کنم. شاید برای برخی کلاژ حیوان خوشایندی نباشد ولی من صبح‌ها با صدای کلاژ بیدار می‌شوم و همیشه از بچگی در ذهنم بوده است که کلاژها قرار هم برخی جاها کلاژ تبدیل به پرندگان دیگری شده است.

شامحمدی درباره حضور انسان‌ها در این آثار گفت: بیشتر می‌خواستم عشق و